

تصویر شخصیت‌های عاشورایی در شعر عربی و فارسی

موردپژوهی شعر «سید حسن حسینی» و «حسن السنید»

* دکتر نرگس انصاری

استادیار گروه عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

چکیده

این جستار طی خوانش تطبیقی با در پیش گرفتن روشی توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی همسانیها و ناهمگونیهای این دو متن از دو فرهنگ و زبان متفاوت از حیث نوع تصویر شخصیت‌هاست.

۳۷



در ترسیم بعد حماسی و انقلابی شخصیت امام در دودفتر، نگاه فرازمانی دو شاعر به ایشان و پیوند با عصر و جامعه حاضر، گرایش به پیچیدگی و پرهیز از صراحة گویی از اشتراکات دو دفتر بوده، در عین حال، تنوع و گستردگی ابعاد شخصیت، آمیختگی تصویر برخی شخصیتها با مفاهیم حزن و اندوه و تعدد از ویژگیهای دفتر شعر عربی است.

کلیدواژه‌ها: شعر سید حسن حسینی، شعر حسن السنید، شعر عاشورایی ایران و عرب، تصویرسازی شعر معاصر ایران و عرب

❖ دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۱
نویسنده مسئول: narjes_ansari@yahoo.com

۱. بیان مسئله

شخصیت، نظام فعال کاملی است متشکل از مجموعه‌ای ویژگیهای جسمی، روحی - روانی، گرایشی و معرفتی که باعث تمایز شخص از دیگران می‌شود و رفتار او را در محیط تعیین می‌کند (جنداری، ۱۴۰۲: ۱۲). این شخصیت ابعاد مختلفی دارد که از زوایای مختلف قابل بررسی است و نوع بازتاب هر شخصیت در اثر ادبی بیانگر زوایه دید ادیب و درجه اهمیت هریک از ابعاد نزد اوست. از این روست که برخی چون مارتین ترنل معتقد است «هرشخصیتی یک ساختمان کلامی است که بیرون ازحدوده کتاب هیچ موجودیتی ندارد؛ محملي است که حالات و احساسات نویسنده در آن متجلی می-^{۳۸} شود واعتبار و ارزش آن در روابطی است که بادیگر ساختمانهای کلامی نویسنده برقرار می‌کند» (میریام، ۱۳۶۸: ۴۵۵). از طرفی در ادبیات معهده با شخصیتهایی روبرو هستیم که از جایگاهی ایدئولوژیک برخوردارند و این ادبیات را می‌توان «مفهومگرا و اندیشه مدار دانست که تأکید خود را بر محتوا و معنا نهاده است و زبان را وسیله‌ای برای انتقال پیام می‌داند» (حسن لی، ۱۳۸۶: ۱۰۳)؛ لذا بررسی شیوه تصویر شخصیت در آثار ادبی ابزار بیان دیدگاه‌های اعتقادی و باورهای نویسنده است. پرداختن به شخصیتهای قهرمان و ضدقهرمان در حماسه کربلا از مضمونهای اساسی در شعر عاشورایی برخی ملل و زبانها به شمار می‌آید؛ اما در عین اشتراک محتوایی اشعار این حوزه، شاهد تفاوت‌های مشهودی در موضوعات مشترک وجود دارد که دقت در آن موجب روشن شدن تفاوت فرهنگها نیز خواهد شد. دو مجموعه «گنجشک و جبرئیل» و «الحسین لغة ثانية»، دو دفتر شعری با موضوع عاشوراست که «امروز غالباً آمیخته با شعر مقاومت است و شعر مقاومت نیز در تبیین مقوله‌های کلیدی استقامت، فدایکاری، و شهادت از فرهنگ عاشورا سود می‌جوید». (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). از طرفی گذشته از نوع ادبی یعنی شعر عاشورایی، ویژگی دو شاعر و محیط آنها نیز بر نوع مضمون پردازی و تصویر شخصیت‌های کربلا مؤثر است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۱-۱ سؤالات پژوهش

- دو شاعر برجسته ایرانی و عرب در موضوع عاشورا بیشتر به کدام یک از شخصیتها اقبال کرده‌اند؟
-ویژگیهای مشترک و متمایز دو ادبیات و زبان در تصویر شخصیتها چیست؟

۲-۱ پیشینه پژوهش

اگرچه درباره ادبیات عاشورایی بویژه شعر فارسی به صورت مستقل آثار بسیاری هست که مجال اشاره به آنها نیست در حوزه تطبیقی آثار اندکی، شعر متعهد دو زبان را به بوته مقایسه و نقد کشیده است که نمونه آن کتاب «عاشورا در آیینه شعر معاصر» است که سال ۱۳۸۵ در انتشارات مجتمع فرهنگی عاشورا به چاپ رسید. این اثر بیش از ۴۰ شاعر دو زبان را در صد سال اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. برخی آثار نیز چون «دانشنامه شعر عاشورایی» از مرضیه محمدزاده- ۱۳۷۶ مجتمع فرهنگی عاشورا- تنها به گردآوری اشعار دو زبان پرداخته است. در زمینه تبیین و نقد دو دفتر شعری، اثربنده مطالعات تطبیقی فارسی و عربی این اثر نیز به تازگی تحقیقات محدودی در داخل کشور درباره شعر جمیل به چاپ رسیده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: «دروномایه مقاومت در شعر جمیل» از کبری روشنفکردر ش، ۳، نشریه ادبیات پایداری س ۱۳۸۹، «تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق» از حامد صدقی س ۱۳۹۳، ش، ۳۰، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، «شعر السجون فی الأدب العراقي المعاصر» از محمد صالح شریف عسگری س ۱۴۳۴، ش، ۱، مجله دراسات فی العلوم الانسانیّة که همگی شعر شاعر عرب را در غیرموضوع عاشورا مورد بررسی قرار داده‌اند. اما شعر عاشورایی شاعر در مقاله «با جمیل در سروده‌های عاشورایی با تکیه بر دفتر شعری الحسین لغة ثانية» از نصرالله شاملی که سال ۱۳۹۴ در شماره ۱۲ نشریه ادبیات پایداری چاپ شده است. این مقاله اگرچه دفتر شعری مورد بحث ما را موضوع تحلیل خود قرار داده است، فارغ از نگاه تطبیقی با تمرکز بیشتر بر مضمون و درونمایه‌های آن در بخش ادبی بر جنبه تصویری و رمزگرایی اشعار شاعر پرداخته است که به هیچ وجه موضوع بحث ما نیست. از محدود آثار تطبیقی بین دو شاعر مقاله‌ای است با عنوان «حماسه حسینی

در گستره ادبیات تطبیقی» از سید رضا نجفی چاپ شده در شماره ۱۱ کاوش نامه ادبیات تطبیقی سال ۱۳۹۲ که به صورت کلی به موضوع پرداخته است. هم‌چنین مقاله بررسی تطبیقی مضامین شعر عاشورایی در شعر وصال شیرازی و جواد جمیل از مالک عبدالی در سال ۱۳۹۴ در کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن منتشر شده است. مقاله «بررسی عناصر ادبیات پایداری در شعر جواد جمیل و طاهره صفارزاده» از علی رومی‌پور و همکاران در همایش میراث مشترک ادبیات و فرهنگ فارسی و عربی در حوزه خلیج فارس در بهمن ۱۳۹۵ منتشر شده که در این مقالات نیز تکیه بر مضامین مشترک و متمایز دو شاعر در موضوع عاشورا است و شخصیت را به‌طور دقیق و مستقل بررسی نکرده است.

۱-۳ روش پژوهش

اساس کار پژوهش بر روش تحلیل محتوا و شیوه توصیفی و تحلیلی داده‌ها استوار است. از طرفی رویکرد مقابله‌ای دو اثر در دو زبان مختلف آن را وارد حوزه مطالعات تطبیقی می‌سازد با این نکته که چون دو اثر تأثیر و تأثیری از یکدیگر نپذیرفته‌اند، روش مطالعه این پژوهش بر اساس اصول مکتب امریکایی خواهد بود که با گستردگی در حوزه مطالعات تطبیقی معتقد به امکان آثار مختلف هنری از حوزه‌های مختلف بدون وجود ارتباط است.

۲. نگاهی به شعر متعهد در عراق و ایران

فضای شعر عراق با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی، خاص است که در نتیجه آن رویکرد شاعران عراقي با توجه به آن جهتگیری می‌شود.

فلسفه مقاومت در عراق، همان فلسفه ایمانی، انقلابی و آزادسازی است که برپایه جهاد و اندیشه آزادی کشور از اشغال شکل گرفته است. این فلسفه نظریه‌ای نیست که فردی یا مجموعه‌ای، طبق قالبی فکری که معیار آن عقل یا حسن باشد، آن را پایه‌گذاری کرده باشد؛ بلکه عقیده‌ای برای دفاع در مقابل مهاجم از یک سو و رفتاری عملی از سوی دیگر است که دلاوران ضد اشغالگر آن را پایه‌ریزی کرده‌اند (مجیدی، ۱۳۹۱: ۴۲۳).

اگرچه این بیان، وضعیت سیاسی عراق را در دوره معاصر ترسیم می‌کند با توجه به فضای شعری جواد جمیل، نوع مقاومت نیز متفاوت می‌شود و مفهومی ارزشی و دینی به خود می‌گیرد. ادبیات عراق، زنده و پویاست که آرزوهای ملت انقلابی خود را در دل دارد؛ ملتی که به آزادی و استقلال چشم دارد و بعد از سالها جهالت و فقر و عقب‌ماندگی، امید دستیابی به علم و آسایش و پیشرفت دارد و در عین حال از گذشته درخشنان خود نیز غافل نبوده است (بصری، ۱۹۹۹: ۲۵). عراق به عنوان موطن اصلی شاهکارهای شعری بسیاری بوده است. تا آنجا که می‌توان ادعا کرد شعر مقاومت عراق در میان کشورهای عربی، گوی سبقت را در زمینه خلق این گونه آثار از دیگران ریبوده است.

۴۱



در ایران نیز تأثیر عاشورا در شعر دوره‌های مختلف بویژه دوره انقلاب تا به آنجاست که عاشورا و ارزشهای عاشورایی از شاکله‌های محوری شعر انقلاب بهشمار می‌رود (رحمدل، ۱۳۷۱: ۲۰۵). شعر عاشورایی در دوره معاصر بیش از دیگر موضوعات آیینی در قالب شعر، سیری بالنده و پویا را دنبال کرده است. مقایسه اجمالی سرودهای عاشورایی معاصر و دوره‌های پیشین نشان می‌دهد علاوه بر تحولات زبانی، که عامل زمان در ایجاد و ضرورت این تحول نقش بسزایی ایفا می‌کند، شاهد تحولات محتوایی و نگرش شاعران به این قیام نیز هستیم؛ از جمله این تحولات پیوند موضوعات حماسی و مسائل دینی با رویکرد حماسی- عرفانی است که در دوره انقلاب اسلامی رخ داد (محدى، ۱۳۸۸: ۱۲۲- ۱۶۲). شعر عاشورایی امروز به دلیل تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و حضور در صحنه‌های شگفتی‌آفرین هشت سال دفاع مقدس از غنای محتوایی چشمگیری برخوردار است. گذشته از تحولات محتوایی، شعر عاشورایی معاصر از نظر زبان و ساختار نیز در دوره انقلاب دچار تغییر و تحول شد.

۳. دو شاعر در عرصه مقاومت

حسینی شاعری است آگاه و متعهد. شعرهایش یکی از بهترین و دلنشیزترین شعرهای دفاع مقدس و یکی از زیباترین نمونه‌های تلاش شاعران انقلاب در به تصویر کشیدن خون و شرف، عشق و حماسه و ایمان و اعتقاد رزمندگان جبهه‌های حق و عدالت

۱۳۹۶

سال، شماره ۳، بهار و تابستان

است (ترابی ۱۳۸۴: ۶۳). یدالله گودرزی درباره سید و آثار وی می‌گوید: «حسن حسینی همیشه در نظر این کمترین، شاعری پویا، مبدع و نوآور بوده است. شاعر و محقق و مترجمی که هر کدام از آثارش، آغاز یک راه تازه است. تأثیرگذاری یکی از مهمترین ویژگیهای آثار حسینی است. حسینی شاعری است که بر مبنای تعهد دینی و مذهبی خود شعر می‌گوید. برای چنین کسی بیان رسالت خویش بر ساختار و فرم سخن برتری دارد (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۸۷ به نقل از فرجی؛ ۲۲: اما از جهت مکتب ادبی، سید در زمرة شاعران رمانیک به شمار می‌آید با این تمایز که «رمانیسم او، رمانیسم انقلابی است که هم روح حماسی در آن جریان دارد و هم عرفان و عشق رندانه در آن دیده می‌شود» (معین الدینی، ۱۳۹۱: ۱۷۱)؛ نمونه آن را در مجموعه گنجشک و جبرئیل می‌توان دید که بیشتر شعرهای این دفتر «از ساختار روایت برخوردار است و رمانیسم آن تلفیقی از حماسه و عشق و عرفان است. این شعرها، نمادها و اسطوره‌ها طبیعت خاص خود را دارد و همه از صبر، پایداری و عشق و جاودانگی حکایت می‌کند» (همان: ۱۷۲)؛ حسن عبدالحمید السیند شاعر مقاومت عراقی، که در عرصه ادبیات با نام مستعار جواد جمیل شهره شد. اولین اشعار خود را در آغاز دهه هفتاد در روزنامه‌ها و مجلات عراقی به چاپ رساند. وی از جمله شاعران پیشگام معاصر و نوآورانی بهشمار می‌رود که برخی او را یادآور جواهری قلمداد می‌کنند. وی در انجمن‌های ادبی و فرهنگی نیز فردی فعال بهشمار می‌آید. بارها به دلیل محتوای انقلابی اشعارش به زندان افتاد و پس از آن از انتشار شعرهایش در جراید و مطبوعات عراق، جلوگیری به عمل آمد. وی تا سال ۱۹۸۰ در زندان رژیم بعثت به سر برد و حتی محکوم به اعدام نیز شد؛ اما بهدلیل تلاش برخی از افراد نجات یافت و به خارج از عراق رفت تا سال ۲۰۰۳ که به موطن خود بازگشت. وی اولین شعر خود را در سیزده سالگی سروده است. ادبیات معاصر و کلاسیک عرب را خوب می‌داند. دارای مجموعه‌های شعری متعددی است که برخی از اشعارش نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. پژوهش‌های چندی درباره اشعار وی تدوین و تألیف شده است (رک: الحسن، ۴۱۸: ۲۱۴). بررسی عناوین دفترهای شعری وی، حاکی از روح مقاومت و پایداری است که برخاسته از زندگی شاعر و اندیشه‌های اوست.

شعر مقاومت جواد جمیل، زبان دردها و مظلومیت‌ای مردمی است که قربانی بیداد و استبداد حاکم بر عراق شده‌اند. محتوا و هدف شعر وی در معنای عام آن، سروden برای آینده‌ای آرمانی و نویددادن پیروزی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر زشتی‌ها و پلیدیها، اعتراض به سانسور حقایق، جانفشنانی در راه سرزمین و احترام به شهیدان و جان باختگان راه آزادی است.

معنی برای جمیل همچون حسینی از ساختار و زبان مهمتر است. او درباره موضوعات شعری خود می‌گوید:

به اعتقاد من، شعر باید قوی، محکم و زنده باشد؛ در هر شکلی که می‌خواهد باشد؛ چراکه برای شاعر، شکل و بنای آن مهم نیست. در شعرم به مسائل انسانهای ستمدیده و مستضعف می‌پردازم و توجهی ندارم که این انسان کیست واز کجاست (اما، ۱۳۷۰: ۱۱).

۴۳

❖

وی به همراه برخی دیگر از شاعران از پیشگامان جریان ادبیات اسلامی به شمار می‌رود.

۴. تصویر شخصیت‌های حق و باطل در شعر حسینی و جمیل

حجم وسیع دفتر شعری جمیل باعث شده است تا تصویر شخصیت در اشعار وی از دقت و گسترش بیشتری نسبت به شعر حسینی برخوردار باشد. تعدد قطعه‌های شعری و طولانی بودن اشعار عربی مجال بیشتری برای تصویرپردازی به جمیل بخشیده است. البته این امر در حوزه دیگر موضوعات نیز کاملاً مشهود است. گستردگی کار شاعر عرب در این حوزه چنان است که ده قطعه شعری از عنوانین (ابعاد) تنها به تصویر ده شخصیت از سپاهیان باطل اختصاص یافته است؛ آنچه در شعر حسینی بسیار محدود به نظر می‌رسد. به رغم این گستردگی شعر عربی، شعر حسینی دارای تنوع در پرداختن به شخصیت‌های است. برخی از شخصیت‌های مورد توجه وی در شعر جمیل مطرح نشده است. شخصیت سیدالشهداء(ع)، سپاه باطل دشمن، امام زمان(ع) و علی اصغر از جمله شخصیت‌های مشترکی هستند که با تفاوت در میزان در اشعار دو شاعر منعکس شده است. حسینی افرون بر ایشان از امام سجاد(ع)، حضرت زینب (س) و حضرت ابوالفضل(ع) نیز سخن گفته است. نکته قابل توجه اینکه هر دو شاعر معاصر عرب و

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

❖

ایران با رویکرده متفاوت نسبت به بسیاری از شاعران پیش از خود و یا معاصر، توصیفات ظاهری، ذکر نسب و اوصاف جسمی و خلقی را رها کرده و با نگاه حماسی و انقلابی به شخصیت‌ها - حق - نگریسته و آن بخش از شخصیت ایشان را در اشعارشان منعکس کرده‌اند که در ارتباط مستقیم با انقلاب عاشورا و نه تراژدی عاشورا قرار دارد. این امر بویژه در توصیف شخصیت امام کاملاً مشهود است.

۱-۴ شخصیت امام حسین (ع)

برجسته‌ترین موضوع دو شاعر بویژه جواد جمیل، سخن از امام و ترسیم سیمای انقلابی ایشان است. این برجستگی در ۱۵ قطعه آغازین وی، که تحت عنوان رؤیاها آمده، محسوس است. روحیه جهادی و انقلابی حسینی و جمیل موجب شده است تا دو شاعر به عاشورا حماسی نگاه کنند و به ترسیم بعد مبارزاتی آن پردازنند و از سوگسرایی و ارائه توصیفات حزن انگیز از شخصیت امام و ابعاد مصیبت بار حادثه کربلا پرهیزنند و عاشورا را نه فاجعه، بلکه حماسه بینند؛ نه حماسه که فراتر از حماسه. از این روست که دو شاعر لفظ حماسه را عاجزتر از آن می‌یابند که بتواند امام و عاشورایش را توصیف کند. حسینی با این باور، عظمت امام را به تصویر کشیده است و خطاب به ایشان می‌گوید: تکلیف لفظ ناتوان حماسه/ غیر از سکوت/ در قبال ملکوت نام شما چیست (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴) و در قطعه‌ای دیگر، ضمن بهره گرفتن از میراث دینی و با کاربرد مفاهیم قرآنی، حماسه امام را بی بدیل و تکرار نشدنی در تاریخ معرفی می‌کند:

تاریخ حماسه‌های بلیغ / از آوردن یک سوره / مثل نگاه تو / تا حشر عاجز است (همان: ۵۰).
جواد جمیل نیز با چنین نگاهی در کنار به کار بردن واژگان طوفان و گردباد برای توصیف نمادین شخصیت امام، لفظ ملحمه را عاجز از تصویر این حرکت حماسی می‌یابد و امام را نه حماسه که ملیونها حماسه می‌نامد:

وَ عَلَى وَجْهِ رَمَتْ
لَوْنَهَا الْفُ عَاصِفَة
هَى فِي عُرْيَهَا تَطْوُفُ
(جمیل، ۱۹۹۶: ۳۳)

اما به رغم این نگاه مشترک به موضوع، بررسی اجمالی اشعاری که دو شاعر در ترسیم سیمای امام سروده‌اند، حاکی از گستردگی نگاه جمیل از نظر میزان اشعار و تنوع صفاتی است که برای ایشان می‌آورد. او ابعاد بیشتری از شخصیت امام را برای مخاطب بازگو کرده است. بی‌تردید حجم اندک دفتر شعری حسینی و کوتاهی اشعار او در مقایسه با اشعار جمیل خود یکی از اسباب این تفاوت است. ظلم ستیزی، ذلت ناپذیری، حق طلبی، بیدارگری، مبارزه و مقاومت، امید به آینده از جمله مفاهیمی است که در بیان دو شاعر از امام می‌توان ملاحظه کرد. اوصافی که در پیوند عاشورا با جامعه معاصر و نیازهای آن در شعر دو شاعر بازتاب یافته است. این مفاهیم اغلب به زبان نمادین آمده است و شاعران کمتر به صراحة از آنها سخن گفته‌اند؛ البته با این تمایز که ابهام زبان جمیل بیش از حسینی نمود یافته است.

۴۵



دو

فصلنامه

مطالعات
تطبیقی
فارسی - عربی -
سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

ظلم ستیزی و ذلت ناپذیری از جمله اوصافی است که مورد نیاز جامعه معاصر و مورد توجه دو شاعر قرار گرفته است. این صفت همان شعار (هیهات متأ الذله) امام است که عزّت خود را در برابر دشمن حفظ کرد و هرگز اسیر و تابع خواسته‌های آنان نشد. با این نگاه است که حسینی امام را رها از بندهای ظلم می‌بیند و خیرخواهی ظاهري دیگران را برای سکوت در برابر آن نمی‌پذیرد:

۱-۱-۴ حسین(ع) ذلت ناپذیر و ظلم ستیز

فقط خدا بود که می‌دانست / آن دل دریایی / به کمند بندهای پوسیده / در بند نمی‌آید

(حسینی، ۱۳۸۶: ۵۳).

کاربرد اصطلاحاتی چون «تمرد»، که در دنیای عرب واژه‌ای آشنا در جریان بیداری اسلامی به شمار می‌آید و نیز «رفض» از تعبیرهایی است که جمیل در بیان ظلم ستیزی و قیام امام از آن بهره برده است. او از زبان امام سخن می‌گوید و ایشان را آغاز به پا خاستن و تمرد در برابر ظلم می‌نامد که با نپذیرفتن ظلم و ذلت، اندوه و درد ناشی از آن را به جان می‌پذیرد. شاعر این امر را ریشه‌دار در اصل پاک و طاهر امام می‌داند که نور وجودشان، تاریکی باطل را برنمی‌تابد: أَمْضَى و لَى وَهَجَ الْجُذُورُ وَ لَى بِدَائِيَّةُ التَّمَرُّدِ لِى مَخَاضُ الرَّفْضِ (جمیل، ۱۹۹۶: ۴۷).

تمرد و ظلم ستیزی امام چنان است که دوران آشفته را برنمی‌تابد؛ به پا می‌خیزد و
موجب دگرگونی و تحول همه چیز در عالم می‌شود:
لأنك غيرت أشياءها و تمردت في زمان يتழقق
(همان: ۶۸)

شاعر در تصویر تقابلی دیگری، امام را نقطه مقابل ظلم ترسیم کرده است. نور اندکی
که اگر بر تاریکی وارد شود آن را از بین خواهد برد. شاعر دو دست ایشان را بماند و
چشمها به تصویر می‌کشد: یکی سرچشمها مقاومت و ظلم ستیزی و دیگری منبع قدادست
و ارتباط با خدادست؛ یکی رابطه انسان را با بشر بنا می‌کند و دیگری اساس رابطه انسان
با خدادست:

كان نقطه من الضوء / على نافذة الغيش / وقبضاها/ بجانِ من رفض ومن صلاه ! (همان: ۱۲۵)
از نگاه جود جمیل، امام نه تنها خود حاضر به پذیرش ظلم و ذلت نبوده، بلکه از
آه انسانهای خسته از ظلم و سیاهیهای روزگار، مowie و سروودی آمیخته با طغیان بر ضد
ظلم سر می‌دهد و ظلم ستیزی را به دیگران نیز می‌آموزد:
إنتي أبتنى خيمة لجراحى، وأعزف من آهه المتعين،/موايل متوقعة بالتمرد (همان: ۲۹).

۴-۱-۲-حسین(ع) مبارز و مقاوم
از دیگر ابعاد حماسی شخصیت امام، تصویر جنبه مبارزاتی و مقاومت ایشان در برابر
ظالمان است که مورد توجه هر دو شاعر قرار گرفته است. این مفهوم را در شعر جمیل
می‌توان در قالب نمادهایی چون «عاصفة»، «برکان»، «جبل»، «سکین» و... یافت که متعدد
به کار رفته است. حسینی با تعبیر قرآنی و استفاده از واژگان دینی، تصویر مقاوم امام را
بر فراز نی مجسم کرده است که هرگز دشمن قادر به درهم شکستن آن نیست:
برچکاد چوب و آهن/ تو آن ترنم لاریبی/که تازیانه تحریف/هرگز به گرد صراحت نمی-
رسد (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۰).

کاربرد نماد «فریاد» در کنار توصیف آن به «بلند» تعبیر دیگری است که در شعر
حسینی، مقاوم و مبارز بودن امام را بیان می‌کند. صفتی که شاعر ایشان را معلم آن
می‌داند. این بیان در مقابل سکوت به کار رفته که نماد خفقان و جامعه مرده و
بی تکاپوست و روحیه ایستادگی و مبارزه در آن وجود ندارد:

اگر گلوی تو نبود/عقل این حنجره/هرگز به فریادهای بلند/قد نمی داد (همان: ۲۱).
از بارزترین نمادهایی که بر مفهوم مقاومت و استواری دلالت می‌کند، کاربرد نماد
کوه است. شاعر، نهضت عاشورای امام را پس از شهادت ایشان شکست خورده و ابتر
نمی‌بیند؛ از این روست که امام را پس از شهادت مقاوم و با صلابت بر فراز نیزه به
تصویر می‌کشد:

قد توکأتَ يا جبل / فوقِ رُمحِ محطم (جميل، ۱۹۹۶: ۳۵).

طوفانهای خاکستری، تعبیرنمادین مرکب دیگری است که در کلام جمیل بیانگر
جنبه مبارزه و حرکت‌سازی امام است؛ طوفانی که با توجه به کاربرد خاکستر به رغم
خاموشی و آرامش کنونی آن، مهیای آتشی دوباره است؛ آتش مبارزه‌ای که بر غالاف
شمშیر امام آرام گرفته است:

عَاصِفَاتٌ رَمَادِيَّةٌ سَكِنَتْ غَمَدَ سَيفِي (همان: ۳۷).

آتش‌شسان و آتش زیر خاکستر بودن، که حرکت را در خود نهان دارد، نیز تعبیری
نزدیک به خاکستر است. البته در کاربردهای شاعر، امام نه در زمان خود که مبارزه و
جهاد را برای دوران پس از خود به ودیعه نهاده است:

و بُحْرَحُ الْحُسْنِ نَبْعٌ يَغْنِي و بِرْؤْيَا يَخْتَفِي بُرْكَان

(همان: ۸۱)

«سکین» نیز دیگر نمادی است که بخوبی بیانگر مفهوم مبارزه است. شاعر در این
قطعه نیز همچون تعبیر قبل، مفهوم را پس از شهادت امام در تداوم می‌بیند که درس
مارزه و جهاد را به دیگر ملت‌های جهان می‌آموزد:

فَانِيٌّ مَا زَلْتُ مُنْذُ رَحْلَتِي / أَطْوَفُ فِي مُدْنٍ مَسْكُونَة / دُونَ سَوَاهَا بِالسَّكَاكِينِ وَ بِالسُّيُوفِ

(همان: ۱۳۷).

۴-۱-۳-حسین(ع)، امام بیدارگر و احیاگر

در موارد پیشین شاعران تلاش کرده بودند تا به صورت ضمنی نشان دهند نهضت امام
منحصر در کربلا و عاشورای ۶۱ هجری نمانده و با تداوم در دوران معاصر، الهمبخش
ملتهای مظلوم و آزادیخواه جهان شده است؛ اما گاه این تعبیر به صورت صریحت‌تر در

اشعار دو شاعر به کار رفته است. حسینی صریحاً امام را چنین خطاب قرار می‌دهد:
در کتاب ابدی / شرح منظومه بیداری ما را بنویس (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲)
و یا با سبک برجسته خود در کاربرد تعبیرات دینی و قرآنی، و در پیوندی با جامعه
معاصر، امام را معلم مردمان روزگار خود معرفی می‌کند که شیوه حماسه‌آفرینی و
مقاومت را به تأسی از مقتدا و ولی خود در پیش گرفته‌اند:
اینک قاریان قبیله من/ تارهای صوتی خود را به روایت تو/ شانه می زند/ ای معلم سوم
(همان: ۵۰).

شاعر هم‌چنین در تعبیر دیگری، امام را احیاگر ستنهای دینی و دگرگون کننده مفهوم
تحریف شده از قرآن در روزگارش توصیف می‌کند:
گلوی تو طرح تازه‌ای کشید/ بدان گونه /که بنای واژگونه تنزیل/ از اساس / متزلزل شد
(همان: ۸۴).

در شعر جمیل بیدارگری و احیاگری امام به زبان دیگری بیان می‌شود. شاعر قبلهای
مرده و زنگارستهای را به تصویر می‌کشد که در نتیجه غفلت و دنیازدگی نیازمند
حماسه‌ای چون عاشورا هستند تا از بی‌تحرکی و رخوت رهایی یابند. از این رost که
شاعر صدای امام، همان پیام نهضت امام را که از بی‌قرنها می‌گذرد و به گوش مردمان
امروز می‌رسد، بیدارگر و احیاگر قبلها می‌داند:

یَوْمَهَا كَانَ صَوْتُ الْحُسْنِينَ / يَهْزِّ الْقُلُوبَ الصَّدِيقَةَ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۴)
و یا از بیداری مردگان غافل توسط امام سخن می‌گوید، دمیدن روح حیات در کالبد
انسانهایی که در نتیجه غفلت و بی‌خبری مردگانی بیش نیستند:
وابدئی، فالحسین قد أَيْقَظَ الموتى، وناغى الأَسَى، ومسَّ الذَّهُولَا! (همان: ۹۲).
از این رost که شاعر خطاب به امام می‌خواهد تا به آنها نیز کلمه‌ای بیاموزد که
به واسطه آن همچون او مردگان عصر خود را به حرکت و ادارد و آگاه سازد. بیدار کردن
غافلان مرده‌نما از زندگی دوباره و حرکت و پویایی ایشان حکایت دارد:
أَسْمَعْنَا كَلْمَةً.. نُوقِظُ بِهَا الموتى، ونُطْعِنُهَا الجَيَاعَا/ أَسْمَعْنَا كَلْمَةً وَاحِدَةً مِنْهُ، وَإِنْ كَانَتْ وَدَاعَا!
(همان: ۴۱).

این تأثیرگذاری در صورت دیگری نیز بیان می‌شود. جمیل با تصویر لبان امام، که پیام رسان آزادی و مبارزه و مقاومت در طول تاریخ است از زبان خود امام، خشم و خروش نهفته در پیام ایشان را بیدارکننده زندگان مردۀ از ظلم و جور و بی‌خبری ترسیم می‌کند. کاربرد واژگان «لب، صدا، کلمه» نشان از انتخاب دقیق و بجای شاعر دارد:

شفقی عالمٌ من الغضب المصطوب / مَسْ الْمَوْتِي / فَهَبْتُ غَضَابًا (همان: ۴۲).

بی‌تردید کسانی که با روند ادبیات آیینی دوره‌های مختلف ادبی و ویژگی‌های زبانی آنها آشنا هستند بخوبی می‌توانند از توصیفات دو شاعر درباره امام رویکرد نوین و متفاوت و در عین حال حماسی آنها را به عاشورا دریابند.

۴-۱-۴ امام امید و ملجم آیندگان

۴۹



دو



فصلنامه



مطالعات



تطبیقی



فارسی



- عربی



سال ۲



شماره ۳



بهار و



تابستان



۱۳۹۶

شعر، زبانی است که شاعر در آن آرمانها و آرزوهای خود را به تصویر می‌کشد و از طرفی بیانگر نیازهای او و جامعه است. آینده‌ای که شاعران معاصر در اوضاع سخت روزگار خود در قالب شعر ترسیم می‌کنند، نه برخاسته از واقعیت جامعه آنان، بلکه امیدهای آنها به تحقیقشان در آینده است. حادثه عاشورا چنان در تاریخ بشریت تأثیرگذار بوده و موجب تحول و دگرگونی انسانها در طول زمانهای متتمادی شده است که شاعران معاصر نیز با توجه به آن و در روزگار دشوار خود امیدوارند در صورت تأسی به عاشورا و گرفتن درس‌های آن، همان تحولات را در جامعه خود نیز شاهد باشند. نماد «باب» در شعر حسینی بیانگر همین معناست. او با گریز به تاریخ، جامعه عصر امام را تاریک و ظلمانی ترسیم می‌کند که کسی در فضای آن به روشنی و رهایی امید ندارد؛ اما واقعه عاشورا این آرزوی بشریت را در رهایی از ظلم محقق کرد:

هیچ مردمکی تکلیف روشنی را پیش بینی نمی‌کرد/تا اینکه در کتاب بصیرت/ رو به آفاق اشراق/آن نگاه دوربرد/ باب روشنی گشود (ص. ۷۰).

جمیل نیز با این نگاه فرازمانی معتقد است خون سید الشهداء دروازه‌ای رو به آینده باز خواهد کرد که زمان در آن معنا ندارد. شاعر در پیوند عاشورا به وضعیت معاصر خود با کاربرد نماد جنگل، که بیانگر جامعه‌ای گرفتار ظلم و ستم و اختناق است، عاشورا را نقطه رهایی انسان از چنین فضایی ترسیم می‌کند؛ چنانکه وجود دروازه نیز خود روزنه رو به آزادی را در ذهن تداعی می‌کند:

و من یدری لعل دمی / سیفتح ألف بوابة / يضيع وراءها زمن / وتصلب خلفها غابة (جميل، ۱۹۹۶: ۱۵۶).

از نگاه حسيني نيز اين نهضت آزادبخش، به تاريخ و جغرافياى کربلا منحصرنيست؛ بلکه برای تمام زمانها و مكانها قابل اجراست. هرکس در طول تاريخ به امام عاشورا اقتدا کند، آيندها ش روشني و رهایي است. صبح و رها شدن از تاريکى شب در شعر معاصر، نماد آزادی و رهایي از ظلم و ستم است:

مردی که صبح را همگانی کرد (حسيني، ۱۳۸۶: ۸۵)

این نماد در شعر جمیل نیز بارها به کار رفته است. بیدار شدن صبح، که بیانگر روشنایی حیات و بیداری و رهایی از تاریکی شب ظلم است، نیز تصویری صریح از این بیان است. حیاتی که صدای امام یعنی همان پیام نهضت ایشان، منادی آن است:

یوقظُ الصبح صوتُهِ، يشربُ الوردُ/حكایا، ترتديهِ الجداولُ (جميل، ۱۹۹۶: ۹۳)

و یا به صراحت از یأس و نالمیدی خود سخن می‌گوید و نور وجود امامی که روزنه‌های امید به آینده را به روی او باز می‌کند:

بالأمسِ أغلقَنِي يأسِي وَغَادَنِي لونِي، فَهَلْ جَئَ ضَوَءٌ تَفْتَحُ الْأَمْلَا

(همان: ۹)

حضور امام در دوران حاضر نیز در شعر دو شاعر به زبانهای مختلف بیان شده است. حسینی با کاربرد تصویر قرآنی، ترنم ندای ملکوتی و خدایی امام حسین(ع) را در دوره خود به گوش جان می‌شنود:

هنوز رسا و بلندی/الف، لام، میم (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۱)

جمیل نیز در تعبیر زیر به گونه‌ای دیگر حیات و جاودانگی امام را به تصویر می‌کشد. در باور او هنوز خون در رگ‌های بریده امام جریان دارد و همچنان نبض حیات در آن می‌تپد:

لم يزلْ فِي وَرِيدِ الحسِينِ المقطَعُ نبضُ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۵)

شاعر امام را زنده تاریخ می‌داند در امتداد خون و نور. او زخم جامعه خود را به یاد می‌آورد و در تعامل با گذشته تاریخ کشور خود از امام می‌خواهد تا همراهی با روشنایی حقیقت و رسیدن به رهایی را به آنها بیاموزد:

هو وحده الممتد بين الضوء والدم / يا أيها الممتد بين جراحنا والأمس / علّمنا الرحيل مع النهار
(همان: ۱۴۶).

۴-۱-۵ رویکرد عاشقانه در تصویر سیمای امام

بررسی شعر عاشورایی معاصر در زبان عربی و فارسی، نشان می‌دهد نگاه عارفانه و عاشقانه به عاشورا و شخصیت‌ها و حوادث آن یکی از نمودهای بارز شعر عاشورایی فارسی است که در گذشته این زبان نیز سابقه داشته است. بر جسته‌ترین پیشگامان این نوع نگاه به عاشورا، شاعرانی چون مولوی در مثنوی و عمان سامانی در «گنجینه الأسرار» و نیز فؤاد کرمانی و ریاضی یزدی به شمار می‌آیند. به رغم حضور این مفهوم در شعر عربی، گرایش شاعران ایرانی بدان بر جسته‌تر و پررنگتر از شعر عربی است و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در نوع نگاه و تعبیر شاعران دو زبان دیده می‌شود (انصاری، ۵۱

❖
دو
فصلنامه
مطالعات
تطبیقی
فارسی - عربی
سال ۲، شماره ۳؛ بهار و تابستان ۱۳۹۶

بررسی دو مجموعه عاشورایی حسینی و جمیل نیز از این رویکرد خالی نیست و با وجود مباحث مقدماتی در شعر عربی جلوه بیشتری یافته است. حسینی در اسلوب خطابی به امام، عشق ایشان را به نقطه‌ای الهی و عرفانی پیوند می‌زنند:
آه ! ای عالم ربانی عشق (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲).

جمیل ضمن توصیف امام به صفت عشق از دو نماد صحراء و دریا نیز در ترسیم تصویر خود بهره می‌گیرد. در شعر شاعر دریا، سمبول پویایی و زندگی در تقابل با بیابان، که نماد بی‌برگی و خشکی و هلاکت است، به کار گرفته شده است. شاعر امام را پس از شهادتش، منبع حیاتی می‌داند که عاشقانه آن را به دیگران می‌بخشد:

و هذه الصحراء/تعرف أني عاشق / يخّي البحار فى تابوته (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۵۳).

گذشته از این بیان صریح دو شاعر در اشعار جمیل تعبیر نمادینی چون شمع و پروانه را می‌یابیم که در ادبیات فارسی سمبول دلباختگی و عشق و فداکاری است. در قطعه زیر شاعر چهره امام را بسان پروانه‌ای مجسم می‌کند که خود درد و عذاب را متحمل می‌شود تا هادی دیگران باشد:

خطوته تطارد الغياب / ووجهه فراشة / حطّت على بوابة العذاب (همان: ۲۶).

جمیل همچنین در تصویر حماسی و انقلابی دیگری امام را شمعی روشنی بخش مجسم می‌کند که منادی حیات دوباره پس از سوختن است؛ حیاتی که درنتیجه مبارزه و جهاد حاصل می‌شود:

لکنه شمعة / فماذا تبوح النار / يكتب بالسکین / میلاده المخون (همان: ۱۳۰).

۴-۲- امام زمان (ع) و انتظار در شعر حسینی و جمیل

نگاه به آینده و آرمانگرایی دو شاعر موجب شده است امام غائب متظر، هر چند اندک، یکی از شخصیت‌های حاضر در زبان آنها باشد. از سوی دیگر مفهوم انتظار از جمله موضوعات در پیوند با امام زمان است که در شعر جمیل و حسینی بازتاب داشته است. حسینی در قطعه شعری پنجم، که آن را « زیارت نواحی مقدسه » نامیده است، ضمن تلمیح به زیارت ناحیه مقدسه نقل شده از امام زمان(ع)، شخصیت ایشان را در ذهن خواننده خود مجسم می‌کند و در همین قطعه نگاهی متفاوت از مفهوم انتظار نسبت به جمیل ارائه می‌کند:

باید برخیزم / و رو به اقیانوس انتظار / شمایل امروزیت را / از دیوار بوسه بیاویزم /
حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲).

انتظار در نگاه حسینی حرکتزا و منشأ زندگی و هستی است؛ نه دردنگ و رنج‌آور. ترکیب نمادین «اقیانوس انتظار» بخوبی بیانگر تمایز آن با ترکیب «صلیب انتظار» است. او همچنین در قطعه «گنج در دیوار» زمانی، که با مرور گذشته تاریخ سرخ تشیع از شهادت محمد بن ابراهیم معروف به دیجاج اصفر سخن می‌گوید، خطاب به این شهید او را به ایستادگی در برابر دشمن و مبارزه و شکستن حصارها دعوت می‌کند؛ چرا که معتقد است امامی که از او تعبیر به خورشید رافضی کرده در انتظار این مبارزه و جهاد است:

بر اژدها بتاز / دیوار را بکوب / خورشید رافضی / در انتظار توست (همان: ۴۴).

جواد جمیل در آغاز دفتر شعری خود از این حضور سخن می‌گوید. او اندوهی را ترسیم می‌کند که خفته و پایاست؛ درد غیبت و نبود امامی که هنوز ردای غیبت بر تن دارد. استفاده از مفهوم نمادین سبز برای امام و دلالت آن بر مفهوم حیات و زندگی و

تقدس و امید حاکی از نوع نگاه شاعر است. ستاری درباره رنگ سبز می‌گوید: «رنگ سبز، نویدبخش تجدید حیات و نوشده‌گی زندگی است» (ستاری، ۱۳۷۲: ۳۴).
لأنَّ الْمَا زالتُ خائنةً / وَ الْأَخْضَرُ الَّذِي ارْتَدَى الْفَيَابَ / لَمْ يَعُدْ بَعْدَ

به رغم این تصویر، او در عبارتی دیگر در اشاره به مفهوم انتظار، حال خود را در انتظار برای رهایی و آزادی همراه با درد و اندوه و رنج توصیف می‌کند. در این تصویر نیز شاعر با کمک گرفتن از نماد صلیب و به صلیب کشیده شدن، مفهوم مورد نظر خود را در تحمل اوضاع سخت روزگار به مخاطب منتقل می‌سازد:
عَلَّمَنَا الرَّحِيلَ مَعَ النَّهَارِ / وَجْعٌ وَنَحْنُ مُسْمَرُونَ / عَلَى صَلَبِ الانتِظَارِ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۹).

۴-۳- سیمای علی اصغر(ع)

۵۳ ◇ از دیگر شخصیت‌های حاضر در کربلا، که مورد توجه دو شاعر قرار گرفته است و هر دو از آن سخن گفته‌اند، طفل شیرخوار کربلاست که در شعر حسینی انکاس کمرنگتری در مقایسه با شعر جمیل داشته است. از دیگر تمایزات حسینی در تصویر این کودک، رویکرد کاملاً نمادین وی است، در حالی که تعابیر جواد جمیل در سخن از این کودک، اغلب به زبان صریح آمده است، اگرچه کلام وی خالی از نماد نیز نیست. کاربرد صریح واژه «طفل» اشاره مستقیمی است به مقصود شاعر در حالی که شعر حسینی خالی از این صراحت‌گویی است. حسینی در دو قسمت از دفتر شعری «گنجشک و جبرئیل» به طفل امام اشاره می‌کند و در هر دو بار نیز صحنه شهادت کودک را ترسیم می‌کند: نخست در قطعه سوم با عنوان «سرنوشت آفاتابی» با کاربرد مناسب و بجای کلمات، عظمت این کوچک حاضر در کربلا را در قیاس با کهکشانها قرار می‌دهد که چنین آماج تیر دشمن قرار می‌گیرد:

و با سه شعله / گلوگاه راه شیری شکافت (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴).

او بار دیگر در قطعه «منطق سیال» در تصویری تفصیلی با استفاده از واژگانی چون «گلو، ترد، سه شعله» شخصیت مورد نظر خود را به زبان رمز تصویر می‌کند: «گلو، ترد، سه شعله» شخصیت مورد نظر خود را به زبان رمز تصویر می‌کند: فلسفه نمی‌باشم / سخن از گلوی تردی است / که صادقانه / بر فراز منبر آمد / و بلاخت را به عرش رساند / به روایتی صادق و صمیمی: / استثنایی بزرگ / در تاریخ فوران / سیلانی بی سقوط / فریادی متصاعد / که با سه شعله زبانه کشید (همان: ۵۶).

از نگاه شاعر، شهادت این کودک به بهترین شکل بیانگر حماسه عاشورا و حقانیت امام است. او در ادامه واقع شدن این حادثه را استثنایی بزرگ در تاریخ بشریت می‌نامد. کاربرد ترکیبات و عباراتی چون: «تاریخ فوران، سیلانی بی سقوط، فریادی متصاعد» بخوبی بیانگر نگاه حماسی و انقلابی شاعر به صحنه شهادت است. اگرچه بی‌گناه بودن و معصومیت و شهادت مظلومانه از جمله مفاهیم مرتبط با این شخصیت است و شهادت با چنین حالتی حزن انگیز و دردآور است، رویکرد حسینی در ورای این صحنه، زبانه‌های آتش قیام و انقلابی را شعله‌ور دیده و آن را در قالب واژگان خود جاری کرده است؛ لذا تصویر وی از عاطفه حزن و اندوه و رثای صرف خالی است و این خود یکی از تمایزات دیگر حسینی در رویکرد شعری است؛ حال اینکه در زبان و سبک بیان جواد جمیل در کنار این بیان حماسی شاهد حضور عاطفه رثایی و بیان درد و اندوه هستیم.

اگر حسینی کودک امام را فریادی بلیغ و رسا می‌بیند که بیانگر حقانیت امام است، جمیل شیرخواره را کلامی جریح و زخمی ترسیم می‌کند که چهره سیاه دشمن و وجود تاریک و مستبد را فرو ریخته است و آشکار می‌کند و خود آرامش و سکون را به ارمغان می‌آورد:

وجهُ طفلي كلامُ جريحُ
و رؤيَ كركرتُ في رذاذ الوضوءِ
الصحاباري انهيار... وليل و ريحُ
و هو يبني الهدوءِ (جميل، ۱۹۹۶: ۲۴)

و یا در این عبارت شاعر که از زبان امام روایت می‌کند:

منْ يمنعُ الطفلا / قطرةَ ماءَ مرّةٌ
منْ يمنعُ الطفلا
فليسَ في خيمتنا شيءٌ
سيوي جنائز القتلاني (همان: ۵۷).

خواننده در این تصویر، که امام را در حال طلب آب برای کودک خود ترسیم کرده است، اثری از نگاه حماسی نمی‌یابد. تصویر شعری بیشتر بعد مظلومیت و دادخواهی

امام را تداعی می‌کند؛ اما از جمله تصاویر شعری جمیل، که خالی از این نوع عاطفه حزن‌انگیز است و نوید آینده روشن را به مخاطب می‌دهد، تصویر گنجشکان آبی است که از زمان شهادت امام متولد می‌شوند و بر پیکر کودکش بوسه می‌زنند:

ستولك ساعه ذبحى
عَصَافِيرُ ماءِ عَرَابِيَا
تَقْبَلُ جَنَّةً طَفْلَى الْقَتَلِ
وَتَغْمُرُهَا بِالرُّؤْيِ وَالْحَكَابِ (همان: ۱۲۹).

گنجشک در زبان معاصر، نماد تداوم حیات تلقی شده است. از طرفی آب نیز خود مظهر حیات و هستی است. شاعر با استفاده از این نمادها به دنبال بیان حضور جاودانه امام در هستی پس از شهادت است. این پرنده حیات بر پیکر کودک شهید امام نیز بوسه زده و او را نیز جاودانه ساخته است.

◆
دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

۴-۵ سیمای باطل در شعر جمیل و حسینی

تقابل خیر و شر، خوبی و بدی، دوست و دشمن، حق و باطل از جمله مظاهری است که همواره حضور یکی دیگری را در ذهن تداعی می‌کند. از این روست که سخن گفتن از جبهه حق در کربلا، جبهه باطل را نیز در کلام شاعران حاضر می‌سازد. انعکاس جبهه باطل در شعر حسینی و جمیل در غالب موارد با توجه به سبک زبانی دو شاعر در قالب نماد به کار رفته است. آنها در بیشتر قطعات از تصریح کردن به نام ضد قهرمانان عاشورا ابا کردند. برخی از نمادهای دو شاعر در توصیف باطل مشترک، و برخی از آنها نیز به یک شاعر منحصر است.

بررسی میزان حضور شخصیت‌های باطل در شعر دو شاعر، حاکی از پیشگامی جمیل بر حسینی است. گذشته از حجم دو دفتر شعری، نگاه مستقل جمیل در ترسیم چهره برخی از شخصیت‌ها نیز در این پیشگامی تأثیرگذار بوده است. وی افزون بر مواردی که در ضمن دیگر قطعات شعری خود به تصویر دشمنان امام و سپاهیان باطل پرداخته، بخش «ابعاد» را که شامل ده قطعه شعر در قالب نو و کلاسیک است به تصویر چهره حقیقی این جبهه اختصاص داده است. در بخش ضمنی هر دو شاعر با به کار بردن نماد به تصویر چهره دشمن پرداخته‌اند. نمادهای شب، گرگ، کویر و بیابان

و علف از جمله نمادهای مشترک دو شاعر است. هول و هراس و تاریکی و سکوت شب، تداعی کننده جامعه‌ای پرخفقان و پرارعب است که امید به طلوع صبح آزادی و رهایی پس از آن وجود دارد:

شب / چهار نعل می تاخت (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۴)
من قال إن الليل / قد دفن الوادي؟ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۳۱)

درندگی و وحشگیری گرگ نیز از جمله او صافی است که موجب شده است تا شاعر آن را در بیان صفات دشمنان امام استفاده کند:

دندان برآق گرگها / در نرمینه دلت / افول می کرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۹۹)
كانت في شبـيك الـهـار / ذئـة (جمیل، ۱۹۹۶: ۷۷)

تعییر علف نیز بیانگر خشکی و بی حاصلی وجودی دشمنان است که حسینی از دلالت نمادین آنها برای تصویر مقصود خود استفاده کرده است:

علف / افسانه‌های هرزه می گفت (ص: ۲۱)
و يا در ترسیم صحنه اسارت خاندان اهل بیت می گوید:
در پرچینی از علف / تلف می شد (همان: ۵۸)

البته این نماد در شعر جمیل در توصیف نالمیدی به کار رفته است:
لبقـي نـحوـك الدـمـوع / و نـحـصـد عـشـب الـكـابـة (جمیل، ۱۹۹۶: ۶۴)

توجه شاعر به تاریخ و استفاده از نمادهای تاریخی چون نمرود و ابوسفیان نیز از جمله ویژگیهای سبک زبانی حسینی است که در ترسیم سیمای دشمن از آنها استفاده کرده است:

یک شب ابوسفیان خم شد / شما پا برکوهان جاهلیت نهادید (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۷)
در مجرم نمرود / سپندی شدیم / و بوی توحید / در مشام تاریخ / زبانه کشید (همان: ۳۱)
از جمله نمادهای منحصر به جمیل، استفاده از تعییر چشمها بی است که رؤیاهای آن خرافه است و ملخان در آن سکنی گزیده‌اند:
يا عـيونـا خـراـفـيـه الـحـلـمـ، مـسـكـونـة بالـجـرـادـ / أـطـفـنـى فى الرـبـيع الـفـتـىـ قـنـادـيلـه (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۳۹).

ستاری معتقد است «چشم دریچه جانست و روح از آن دریچه عالم ملکوت را می‌بیند» (ستاری، ۱۳۷۲: ۱۳۳) و ملخ نماد و سمبل انسانهای اهل ریا و تملق است. از این

رو شاعر با استفاده از دو تعبیر نمادین، شخصیت و صفات جبهه باطل را بخوبی ترسیم می‌کند.

اما بخش ابعاد در دفتر جمیل، بعد ثابت در توصیف سپاهیان و مردانی است که با عناد و دشمنی به جنگ با امام برخاستند؛ بعد متغیر در توصیف حربین بزید ریاحی از فرماندهان سپاه اموی که در لحظات پایانی به سپاه امام پیوست؛ بعد ترسان که به ترسیم چهره عبدالله جعفی می‌پردازد که قبل از حادثه کربلا امام حسین(ع) را دید و از بیم مرگ دعوت امام را نپذیرفت و پیش از فرار اسب و شمشیرش را به امام بخشید؛ اما امام آنها را نپذیرفت. بعد سیاه در توصیف شمرین ذی‌الجوشن؛ بعد خیالی در تصویر سیمای عمرین سعد فرمانده سپاه اموی که رؤیای ولایت و حکومت ری را پس از

۵۷

❖

کشتن حسین (ع) داشت، بعد زشت در توصیف مالک بن نسر، مردی که امام را دشنام داد و در حال احتضار با نیزه ایشان را مجروح ساخت؛ بعد خاکستری در توصیف شبین ربیعی، که با امام بیعت کرد و سپس پیمان خود را شکست و یکی از فرماندهان سپاه دشمن شد؛ بعد خونین در ترسیم چهره حرم‌له‌بن‌کاهل، کسی که شیرخواره امام را هدف تیر قرار داد و او را از گلو ذبح کرد؛ بعد سیاه در توصیف سنان بن انس که سر کشته شدگان کربلا را به کوفه برد؛ بعد مجnoon در ترسیم سیمای سپاهیان اموی که بعد از کشتن امام احساس شکست کردند. جمیل در غالب این قطعات شعری به تفصیل و با جزئیات به ترسیم وضعیت این شخصیت‌ها پس از حادثه عاشورا پرداخته است؛ به عنوان مثال شاعر در بعد خائف با تصویر پردازی مناسب با موضوع به ترسیم چهره عبدالله جعفی می‌پردازد. شاعری که پیش از وقوع عاشورا در راه با امام روبرو شد و امام شخصاً به خیمه او رفت و از وی طلب یاری کرد؛ اما او همراهی امام را نپذیرفت و پس از آن دچار حسرت و پشیمانی شد تا آنجا که برخی از مورخان (ابن الأثير، ۱۹۶۵: ۴۰۷/۴) او را اولین زائر و مرثیه‌سرای امام حسین(ع) معرفی می‌کنند. جمیل این قطعه یازده بیتی را، که در قالب کلاسیک سروده شده است به سه بخش تقسیم می‌کند. در بخش نخستین از زبان شخصیت به بیان بیم و ترسهای او پرداخته است. آن‌گاه در بخش دوم رویارویی او را با امام و جریان حوادث را به اجمال توصیف می‌کند. بخش پایانی نیز بیان‌کننده حسرت و در نتیجه ناله و اندوه وی است. واژگانی

۱۳۹۶

سال، شماره ۲، بهار و تابستان

فارسی - عربی

طبیقی

و فصلنامه مطالعات

داد و در حال احتضار با نیزه ایشان را مجروح ساخت؛ بعد خاکستری در توصیف

عناد و دشمنی به جنگ با امام برخاستند؛ بعد متغیر در توصیف حربین بزید ریاحی از

نتیجه

بررسی مضونهای شعری دو دفتر شعری نشان می‌دهد اگرچه آنها اشتراکات محتوایی دارد، اما مجموعه شعر عربی از وسعت دید بیشتری برخوردار، و موضوعات آن دارای تعدد و تنوع است. وجود رنگ حزن و اندوه در اشعار شاعر عرب از جمله ویژگیهای دیگری است که هر چند اندک، اثر جمیل را از حسینی تمایز می‌سازد که گاه آشکارا از آن سخن می‌گوید. بررسی تصویرپردازی دو شاعر از شخصیت‌های عاشورایی نشان می‌دهد شخصیت امام به عنوان قهرمان اصلی حماسه کربلا بیش از هر شخصیتی پرداخته شده است و هردو سیمایی انقلابی و حماسی از امام ترسیم و از ارائه توصیفات حزن انگیز درباره ایشان پیرهیز می‌کنند؛ اما در این میان گستردگی نگاه جمیل از نظر میزان اشعار و تنوع صفاتی است که برای امام می‌آورد. قابل توجه است او ابعاد بیشتری از شخصیت امام را برای مخاطب خود بازگو کرده است که البته تفاوت حجمی دو دفتر شعری در این امر بی‌تأثیر نیست. اغلب تصویرپردازیهای دو شاعر به زبان نمادین آمده و کمتر به صراحة از آنها سخن گفته شده است. هردو نگاهی فرازمانی به شخصیت امام دارند و حضور ایشان را در تحولات جامعه خود به تصویر

چون: «أَخْشِيَ الْذُّعْرَ، الرَّجْفَ، الْخَوْفَ، ذَاهِلٌ، هَرَبٌ، صَحْرَاءُ، غَرْبَةُ، وَ...» از جمله واژگان محوری شاعر در توصیف این شخصیت به شمار می‌رود.

جمیل در بیان ابعاد شخصیتی حر نیز در یک سیر زیبا به جریان پیوستن حر بین یزید ریاحی از فرماندهان سپاه اموی به خیل یاران امام می‌پردازد. شاعر ابتدا از زبان حر و به طور مستقیم به معرفی شخصیت امام می‌پردازد. آن‌گاه با خطاب به خود وارد بخش دوم می‌شود، و سیمای حر را برای مخاطب ترسیم می‌کند. تقابل وجود حر و امام موجب می‌شود تا حیرت و سرگردانی و شک و تردید در جان حر رخنه کند و در واژگان و ساختهای نحوی بخش سوم نیز نمودار شود؛ اما سرانجام این امام است که حر را از وادی تحریر رهانیده است و به وادی نور و هدایت رهمنون می‌شود تا پیروزی و شهادت نصیب او گردد. شعر از وحدت و انسجام در مضمون و عاطفه برخوردار بوده است و با پیمودن روندی منطقی از آغاز تا پایان قصیده، تصویری کلی از مسیر تحول و دگرگونی حر را نشان می‌دهد؛ تصویری کلی که جزئیات تصویرها نیز در ارتباطی هماهنگ بنای کلی اثر را شکل داده است.

می‌کشند. هرچند نگاه عارفانه و عاشقانه به عاشورا، شخصیت‌ها و حوادث آن یکی از نمودهای بارز شعر عاشورایی فارسی بهشمار می‌آید. در شعر عربی جواد جمیل جلوه بیشتری یافته است.

امام غائب متظر، یکی دیگر از شخصیت‌های حاضر هر چند اندک در شعر دو شاعر است و درپی آن، مفهوم انتظار نیز از موضوعاتی است که در پیوند با امام زمان و در شعر جمیل و حسینی بازتاب داشته است با این تفاوت که انتظار در نگاه حسینی حرکتزا و منشأ زندگی و هستی است؛ نه دردنگ و رنج آور اما جمیل گاه انتظار برای رهایی و آزادی را همراه با درد و اندوه و رنج توصیف می‌کند.

از دیگر شخصیت‌های حاضر در کربلا، که مورد توجه دو شاعر قرار گرفته است

و هر دو از آن سخن گفته‌اند، طفل شیرخوار کربلاست که در شعر حسینی انعکاس ۵۹
◆
◆
دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶
کمنگتری در مقایسه با شعر جمیل دارد. از تمایزات شعر حسینی در تصویر این کودک، رویکرد کاملاً نمادین وی است در حالی که تعابیر جواد جمیل در سخن از این کودک، اغلب به زبان صریح آمده و نیز نگاه جمیل به علی اصغر با حزن و اندوه آمیخته است.

جبهه باطل نیز به صورت نمادین و بدون تصریح بهنام ضد قهرمانان در شعر حسینی و جمیل به تصویر کشیده شده است که برخی از نمادهای دو شاعر، مشترک و برخی به یک شاعر منحصر است. همچنین حضور این شخصیت‌ها در شعر جمیل برجسته تر از حسینی است.

حضور متنوع شخصیت‌های عاشورایی در شعر حسینی از جمله تمایزات او در این حوزه نسبت به جمیل است. سه شخصیت امام سجاد(ع)، حضرت زینب (س)، حضرت بالفضل(ع) از شخصیت‌هایی هستند که تنها در شعر حسینی بازتاب داشته است. ویژگی برجسته شاعر، رویکرد کاملاً حماسی و انقلابی وی به آنهاست.

منابع

- ابن الأثير، عز الدين على بن ابي الکرم ؛ **الکامل في التاريخ**؛ راجعه محمد يوسف الدقاد، ط ۱ ، بيروت: دارالكتب العلمية ، ۱۹۶۵ .
- امامی، صابر؛ **سانسور شده‌ها**؛ تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ .

-
- انصاری، نرگس؛ عاشورا در آیینه شعر معاصر؛ تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا ، ۱۳۸۹.
 - بصری، میر؛ **أعلام الأدب في العراق الحديث**؛ لندن: دار الحكمة، ۱۹۹۹م.
 - ترابی، ضیاء الدین؛ **شکوه شقايق**؛ قم: انتشارات سماء قلم ، ۱۳۸۴.
 - حسینی، سیدحسن؛ **گنجشک و جبرئیل**؛ ج ۳، تهران: نشر افق، ۱۳۸۶.
 - حسن لی، کاووس؛ **گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران**؛ ج ۲، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۶.
 - الحسن، عبدالله؛ **ليلة عاشوراء في الحديث والأدب**؛ ط ۱، ۱۴۱۸ق.
 - جميل، جواد؛ **الحسين لغة ثانية**؛ ط ۱، قم: المجمع العالمي لأهل البيت، ۱۹۹۶.
 - جنداری، ابراهیم؛ **فى النص الروائى العربى**؛ دمشق: نشر تموز، ۲۰۱۲.
 - ستاری، جلال؛ **مدخلی بر رمزشناسی عرفانی**؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
 - صدیقی، مصطفی؛ **جستجوی خوش خاکستری**؛ تهران: روشن مهر، ۱۳۸۴.
 - الطبری، محمدبن جریر؛ **تاریخ الطبری (بتأریخ الأمم والملوک)**؛ ط ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹هـ- ۱۹۸۹.
 - فرجی، بهرام؛ «**جلوه‌های جنگ تحملی و دفاع مقدس در شعر سیدحسن حسینی**»، **قیصر امین پور، سلمانی هراتی**؛ فصلنامه شاهد اندیشه، ۱۳۹۲، دوره جدید، ش ۱۲، بهار ۹۱، ص ۳۸-۱۶.
 - محدثی خراسانی، زهرا؛ **شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن**؛ تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۸.
 - مجاهدی، محمدعلی؛ **شکوه شعر عاشورا**؛ قم: پیک جلال، ۱۳۷۹.
 - مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
 - مجیدی، حسن؛ «**ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی**»؛ نشریه ادبیات‌پایداری، ۱۳۹۱، ش ششم.
 - معین الدینی، فاطمه؛ «**جلوه‌های رمانیسم در شعر مقاومت سید حسن حسینی**»؛ پژوهشنامه ادب غنایی - بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۶۷-۱۸۴.
 - میریام، آلوت؛ **رمان به روایت رمان نویس**؛ ترجمه علی محمد حق شناس، تهران : نشر مرکز، ۱۳۶۸.